

آسیب های جامعه در پرتو فرهنگ با نگاه روانشناختی

جواد شیر کرمی

۱- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

Email: (j.shirkarami@yahoo.com)

چکیده

فرهنگ یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین بخش های زندگی بشر در طول تاریخ بوده است، به طوری که بدون فرهنگ حیات و هویت یک جامعه معنا ندارد. با اندکی تأمل در می یابیم که سبک زندگی، پیشرفت، قوانین و هنجارها، رفتار و تفکرات، عادات و... همگی ریشه در فرهنگ هر جامعه دارند. در واقع تمام ابعاد حیات یک جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- ارتباطی، امنیتی، آموزش و خدمات تحت تأثیر فرهنگ آن جامعه قرار دارند. اما هر فرهنگ دارای ویژگیهای مثبت و یا منفی فراوانی است که در طول تاریخ در حوزه فرهنگ آن کشور رسوخ کرده و جزئی از آن شده اند. بدون شک در جامعه ای که اعضای آن با احساس مسئولیت، رفاه و پیشرفت جامعه را رفاه و پیشرفت خود می دانند و نسبت به هموعان خود بی تفاوت نیستند و همواره در پی ارتقا و تعالی خود و جامعه متنوع خود هستند، می توان به پیشرفت مادی و معنوی آن جامعه امیدوار شد. اما بی توجهی و انفعال در برابر آسیب های موجود در پیکره فرهنگ، ضربات سنگینی بر پیشرفت، رفاه، انسجام و کیفیت زندگی شهروندان وارد می سازد. عدم تلاش برای شناخت و چاره اندیشی برای این آسیب ها موجب تداوم وضع نامطلوب و گسترش بی نظمی و عقب ماندگی یک جامعه خواهد شد.

کلمات کلیدی: فرهنگ، جامعه، آموزش و پرورش، شخصیت، روانشناسی فرهنگی.

۱. مقدمه

می توان گفت که فرهنگ، نامرئی ترین و نیز آشکارترین بخش از زندگی بشر را شامل می شود و ارزش ها، درونی ترین و اساسی ترین عنصر فرهنگ را تشکیل می دهند که منشأ همه رفتار و حالات و عملکردهای فرد و جامعه اند (منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۱). هر جامعه ای فرهنگی خاص دارد و نمی توان جامعه ای را بدون فرهنگ تلقی کرد، حتی در جوامع بدوی نیز فرهنگ وجود داشته است. بنابراین اگر گفته شود که جامعه معینی بی فرهنگ است، تعبیری غیرعلمی است. جامعه شناسان و مردم شناسان تعاریف متعددی برای فرهنگ بر شمرده اند، اما به طور کلی می توان فرهنگ را مجموعه ای از شیوه های زندگی، ارزشها، هنجارها، تجارب، علوم و فناوری و آداب و رسوم دانست که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است (ضمیری، ۱۳۸۰).

فرهنگ تعیین کننده سبک زندگی اعضای یک جامعه است و تمام ابعاد زندگی از جمله اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، رفتار و فرایندهای ذهنی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد (آدبایو و ایلوری، ۲۰۱۳). در گذشته در برخی از نوشته ها نمونه هایی از

۱. Adebayo & Ilori

ویژگی‌های منفی فرهنگی مطرح شده است. اما حتی اگر موارد مطرح شده کاملاً هم با واقعیت منطبق نباشد، در صد بالایی از جامعه نخبگان کشور و حتی مردم عادی نیز نگرشی هم‌سو با همان مطالب مطرح شده را دارند. اما ویژگی‌های منفی را نباید جزئی از فرهنگ اصیل تلقی کرد بلکه این ویژگی‌ها، بیماری‌هایی هستند که به دلایل مختلف در عرصه فرهنگ یک جامعه رسوخ می‌کنند. زیرا علی‌رغم ویژگی‌های منفی مذکور، از دل همین جامعه بزرگانی همچون فردوسی، عطار و سعدی ظهور کرده‌اند. در واقع، همه فرهنگ‌های جهان دارای ویژگی‌های مثبت و منفی فراوانی هستند و این مسأله اختصاص به کشور خاصی ندارد (بهشتی، ۱۳۹۴)؛ از مسائل مهم و تأثیرگذار در این بین شرایط محیطی (و اقتصادی) است که موجب تسهیل و گسترش ویژگی‌های منفی و نامتعارف در یک فرهنگ می‌شوند.

با توجه به تأثیر فرهنگ بر تمام ابعاد زندگی فرد-جمعی و پیشرفت علمی و اقتصادی، امنیت و رفاه یک جامعه، آسیب‌شناسی در این حوزه حائز اهمیت فراوان است. این پژوهش با هدف مطالعه اجمالی انعکاس محتوای فرهنگ در حالات، رفتار، نظم و مقررات، مسئولیت‌پذیری، پشتکار، روابط و همکاری اعضای جامعه انجام شده است.

۲. روانشناسی فرهنگی

روانشناسان رفتارهایی که از انسان سر می‌زند را به وسیله الگوهای فکری، روش‌ها و فرآیندها و از طریق مفهوم و برداشت خاصی که رویکرد نام دارد تحلیل می‌کنند. از عمده‌ترین رویکردهای روانشناسی عبارتند از: زیستی، رفتاری، شناختی، روانکاوی و پدیدارشناختی (ویکی‌فقه، ۱۳۹۷). از طرفی انسان دارای سیستم عصبی پیچیده‌ای است و فرآیندها و رفتارهای روانی او به گونه‌ای با سیستم عصبی و هورمونی رابطه دارند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۷۸). رفتار آدمی در خصوصیات زیربنایی شخصیت و تجربیات اجتماعی خاص هر فرد ریشه دارد. بر اساس نتایج تحقیقات مربوط به علوم اعصاب شناختی، هر فرهنگی ارزشها و الگوهای رفتاری و تحلیلی خاصی برای اعضای خود ارائه می‌کند که مبنای طراحی الگوهای پیشرفت و توسعه هر فرهنگ قرار می‌گیرند (نجاتی، ۱۳۹۱).

مطالعه و پژوهش رفتارهای جمعی همواره مورد توجه چندین رشته علمی از جمله زیست‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی بوده است. اما با گسترش رویکردهای بین‌رشته‌ای در زمینه رفتارهای جمعی گرایش‌های جدید نیز به وجود آمده است. روانشناسی فرهنگی از جالب‌ترین رویکردهایی است که به مطالعه تأثیر فرهنگ بر بازنمایی‌های ذهنی و فرایندهای روانی افراد می‌پردازد (www.arkhodiedu.ir). معمولاً مطالعات روانشناسی فرهنگی را به سه گروه تقسیم می‌کنند:

- ۱) روانشناسی تک فرهنگی: تحقیقاتی که به رابطه بین امور روانی و فرهنگی در یک فرهنگ می‌پردازند.
- ۲) روانشناسی بین فرهنگی: تحقیقاتی که بر فرایندهای تعاملی چندین فرهنگ بین افراد و گروه‌هایی که متعلق به یک فرهنگ نیستند، تکیه دارد.
- ۳) روانشناسی فرهنگی تطبیقی: پژوهش‌هایی که با مقایسه فرهنگ‌های مختلف صورت می‌گیرد و تعامل بین فرهنگ‌ها مطرح نیست.

با این اوصاف، مطالعه روانشناسی فرهنگی دست کم سه فایده دارد (همان):

- بررسی ارتباطات و تعاملات بین فرهنگی

- آسیب شناسی فرهنگی نظام های اجتماعی

- تحلیل و شناخت فرایند شکل گیری رفتارهای اجتماعی

۳. آسیب های فرهنگی

اصطلاح آسیب شناسی در رشته های مختلف علوم کاربرد دارد و به طور کلی موقعیت و یا حالتی زیست شناختی ناپهنجار را مورد مطالعه قرار می دهد. در صورت عدم شناخت و مقابله با این آسیب ها، آنها رفته رفته در فرهنگ اصیل یک جامعه نفوذ می کنند. آسیب شناسی در عرصه فرهنگ، به بررسی آفات و آسیب هایی می پردازد که ریشه فرهنگی دارند و عناصر سازنده رفتار، عادات و کنشهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می دهند. سهل انگاری در این زمینه، به کاهش مقاومت افراد در برابر ناهنجاریهای فرهنگی منجر می شود و در نتیجه به استحاله فرهنگی، انحراف فرهنگی و شکل گیری فرهنگی از نوع جدید و متفاوت با فرهنگ اصیل می انجامد (رحمت آبادی، ۱۳۹۳).

تغییر و تحولات سریع و عدم اتخاذ تدابیر درست و کسب آمادگی لازم برای مواجهه، از چالشهای موجود اجتماعی و تربیتی هستند که دست اندرکاران رشته های روان شناسی، علوم اجتماعی و تعلیم و تربیت را به مطالعه و چاره جویی برای کاهش آسیب ها ترغیب نموده است.

شکاف نسل ها، تغییر شتابنده دانش، تأخر فرهنگی، بحران هویت، تغییر ذهنیت و تغییر شکل و سبک زندگی از مهمترین عواملی هستند که بر روان انسان، آستانه تحمل و تصمیم گیری افراد تأثیر می گذارند و انسان را در انتخاب مواضع و فعالیت های زندگی در معرض خطا قرار می دهد.

۴. شخصیت و فرهنگ

در حال حاضر رابطه بین فرهنگ و شخصیت در فرهنگ های مختلف نشان دهنده هماهنگی نزدیک این دو می باشد. اما این شباهت در سطح جهانی مورد تأیید نیست (مارکیس، ۲۰۰۴). مادوکس و وینستد (۲۰۰۸) معتقدند که تفاوت های اجتماعی ملاک معتبرتری جهت ارائه تعاریف و توصیف وضعیت روانی و آسیب های این حوزه است (شاهی و همکاران، ۱۳۹۵).

تغییر و تحولات فرهنگ ها از مسائل مورد بحث رایج در علوم جامعه شناختی است. جامعه شناسان معتقدند همان طور که شخصیت افراد از فرهنگ هر منطقه، جامعه یا طبقه تأثیر می پذیرد، تأثیرات متقابل و پیچیده ای را در عرصه فرهنگ بر جای می گذارد. همواره شخصیت هایی وجود داشته و دارند که دگرگونی های فرهنگی را رهبری می کنند و یا بر ثبات و استحکام فرهنگی می افزایند. فرهنگ یک جامعه بنا به دلایل مختلف نظیر تأثیر پذیری از عوامل اجتماعی، اقتصادی به صورت ارادی و غیر ارادی بر شخصیت افراد تأثیر می گذارد. هر فردی از آغاز طفولیت بر اساس همان روش هایی عمل می کند که فرهنگ جامعه او ایجاب می کند. به عبارت دیگر انسان ناگزیر است که خواسته های ناشی از سابق های زیستی را با

۱. Markis

قیده‌ها، آداب و رسوم و اولویت‌های فرهنگی جامعه خویش منطبق سازد تا قادر باشد به عنوان یک عضو و شهروندی مورد تأیید در جامعه زندگی کند (www.irannema.com). از آنجا که فرهنگ، مجموعه‌ای از باورها، آداب و رسوم و ارزش‌ها را در بر می‌گیرد بر ابعاد مختلف زندگی انسان و به تبع، بر شخصیت و وضعیت روانی انسان تأثیر می‌گذارد. همچنین شهروندان متکامل، رشد یافته و هنجارمند نیز عامل اساسی در راستای بازسازی، انسجام و غنای هر فرهنگ می‌باشند. پیچیدگی دنیای جدید همراه با ظهور پدیده‌های ارتباطی جدید، شیوه زندگی، طریقه امرار معاش، سلیقه مصرف و نیازهای زندگی فردی و جمعی را دگرگون ساخته است.

۵. فرهنگ و جامعه

ارتباط و تأثیر فرهنگ و جامعه از جنبه‌های فردی و جمعی قابل طرح است. فردی که دغدغه هم‌نوعان، هم‌شهریان، همسایگان، آشنایان و ... را دارد و به نظم و کار و تلاش و قانون اهمیت می‌دهد و در پی خلق ایده‌ها و چاره‌اندیشی برای حل مشکلات جمعی است و امیدوارانه به آینده می‌نگرد، بدون شک از پشتوانه فرهنگی و تربیتی تشکیل و تقویت چنین ویژگی‌هایی برخوردار است (شیرکرمی، ۱۳۹۶). در واقع، شهروندان آگاه به حقوق و وظایف خود، به نحو مؤثر و معنادارتری در روند زندگی اجتماعی مشارکت می‌کنند و همچنین زندگی فردی خود را بهتر می‌توانند مدیریت کنند (امین‌زاده، ۱۳۹۴). از طرفی، شناخت و استفاده از توان اجتماعی افراد، کمک بسیار مؤثری در حیطه بهره‌برداری مطلوب از ظرفیت‌ها و استعدادها و اعضای جامعه در ابعاد رسمی و غیررسمی می‌باشد. تسهیل روند هم‌افزایی و تشکیل انجمن‌های مختلف با طرح و برنامه‌های مسئله‌یابی و چاره‌جویی از اهرم‌های مؤثر در تغییر اوضاع نامطلوب و بهبود وضعیت، همراه با صرفه‌جویی اقتصادی و زمانی است. تربیت اجتماعی با تربیت خانوادگی، وضعیت فرهنگی، ارزش‌ها، پیشرفت و رفاه و... در ارتباط است. رشد و تربیت آدمی در بستر فرهنگ هر جامعه تحقق می‌یابد. تربیت دارای معنا و مفهومی گسترده در حوزه‌های رفتاری، گفتاری، فکری، حالات، عادات و مهارت‌ها در ابعاد رسمی و غیررسمی (خانواده، اجتماع و آموزشگاه)، آشکار و ضمنی، مقطعی و بلندمدت است که با تمرکز بر ایجاد تغییر در راستای درونی کردن ارزش‌ها، هنجارها و انتقال تجارب (با محوریت مقتضیات) صورت می‌گیرد (شیرکرمی، ۱۳۹۶). تحقق تربیت انسانی به شکل جامع و اصولی می‌تواند به رشد و شکوفایی و نظم اجتماعی منجر شود.

فرهنگ تعیین‌کننده حالات، روابط و رفتارهای اعضای یک جامعه است. فرهنگ متعالی و غنی از ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر سرزندگی، فعالیت، مسئولیت‌پذیری، همکاری و مشارکت به تعالی و پیشرفت جامعه می‌انجامد و ضعف فرهنگ به تضعیف اجتماع خواهد انجامید. در واقع، توسعه مجرای تحقق آرمان‌ها، تمایلات و خواسته‌های جوامع مختلف است و توسعه فرهنگی به معنای ایجاد تحول و خلق ارزش‌ها و هنجارهای مناسب است که ارضای نیازهای آدمی را در قالب اجتماع و بر پایه اخلاق ممکن می‌سازد. از نظر هدف، نظریه‌های توسعه به دو دسته تقسیم می‌شوند. نظریه‌هایی که بر بهبود کیفیت زندگی، رفاه مادی و توسعه علم تمرکز دارند و نظریه‌هایی که تعالی انسان و ابعاد معنوی را هدف توسعه فرهنگی می‌دانند (گراوند و پروانه، ۱۳۹۷).

پرداختن به اموری نظیر مشارکت، توسعه نهادهای ارتباطی، رقابت سالم، پاسخگویی نسبت به مردم، تأمین حقوق شهروندی و حاکمیت قانون، مستلزم عزم بنیادین نظام آموزشی برای پرورش شهروندانی مناسب برای زندگی فردی و اجتماعی و ایفای نقش‌های مؤثر و مطلوب است (محمدی، ۱۳۷۸). بنابراین افرادی که به خوبی و به شکل جامع رشد یافته‌اند، ظرفیت تبدیل شدن به مهره‌های ارزشمند و مولدی که با خصوصیات برجسته و طلایی خود یک جامعه را به جلو هدایت کرده تا دروازه‌های ترقی، تعالی و پیشرفت را بپیماید در خود نهفته دارند (شیرکرمی، ۱۳۹۶) و افرادی که در محیط‌های بی‌تفاوت، خانواده‌های

غیرهنجارمند و بدون برنامه رشد کرده‌اند و نظم و مسئولیت‌پذیری را یاد نگرفته‌اند و یا در معرض آموزش‌های افراطی در ابعاد رفتاری، فکری و گفتاری قرار داشته‌اند، نمی‌توانند عضو مفیدی برای یک جامعه باشند و به تعالی و توسعه آن جامعه کمک کنند.

۶. تاجرگرایی

در فرهنگ‌های فارسی دهخدا، عمید و معین، تاجر به سفت و سخت شدن مانند سنگ معنی شده است و در نظر صاحب‌نظران مترادف با ارتجاع، سرسختی، انجماد، کهنگی، سنگدلی، جهالت و مقاومت در برابر تغییرات در نظر گرفته شده است. در عرف و اصطلاح امروزی، تاجرگرایی به نگرش‌هایی اطلاق می‌شود که از شکوفایی اندیشه و برقراری تعامل سازنده با جامعه ممانعت کرده و بی‌توجهی به ارزش ملاک‌های تشخیص صحیح و عقلانی و توقف در ملاک‌های گذشته را در پی دارد. در صورتی که تاجر را نوعی ناهنجاری اجتماعی بدانیم، علاوه بر آسیب‌های فردی بر نقش و وظایف متقابل نیز آثار نامطلوبی بر جای می‌گذارد و در این صورت، هر چه نقش و مسئولیت مهمتر باشد آسیب‌های ناشی از آن هم بیشتر خواهد بود (لطیفی، ۱۳۹۵). کهنگی، سرسختی، نگاه قالبی و محدود، فکر بسته و غیرمنعطف و ضعف در درک دیگران از مصادیق تاجرند که زمینه را برای قساوت، پنهانکاری، خودسری، مقاومت، خشونت و دفاع از تعصبات نادرست هموار می‌سازند. در این صورت بعید نیست که شاهد قضاوت نادرست و دسته‌بندی سیاه و سفید در برخورد با دیگران باشیم. توقف در زمان گذشته، تعبیر نادرست و نگرهبانی از آنچه که درونی شده اما با واقعیت تطابق ندارد، افراد را به سمت اتخاذ تدابیر تدافعی و عدم قبول تغییر مثبت در رفتار و اتخاذ موضع گیری خشن سوق می‌دهد. در بستر این مسأله، خودمحوری، خودبینی، دیگر ستیزی، کج فهمی، انحصار و بزهکاری گسترش یافته و تجاوز به حقوق دیگران به امری معمولی تبدیل خواهد شد.

۷. فرهنگ و آموزش

در کنار تأثیرات عرصه‌های مختلف بر تعلیم و تربیت، فرهنگ نفوذ عمیق تری بر شیوه‌های تعلیمی و تربیتی بر جای می‌گذارد. چگونگی فرهنگ و آموزش و پرورش، نمایانگر تعالی یک جامعه است. جامعه متعالی دارای فرهنگ و تربیت متعالی است و در چنین بستری، اعتماد و اعتدال اجتماعی قابل مشاهده است. آموزش و پرورش باید اندیشیدن را ترویج کند، این رویه باید نسبت به مسائل و نیازها حساس باشد و به شکل جدی به آن‌ها بپردازد (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۸). در یک جامعه پویا، آموزش و پرورش زمینه ساز رشد اخلاقی و فکری انسان هاست. نقش آموزش و پرورش در تربیت نیروهای متخصص، به‌روز و نیز حفظ هویت جوامع بسیار حائز اهمیت است. بازبینی تشکیلات و تربیت معلمان و دانش‌آموزان نواندیش و مبتکر لازمه تحقق جامعه‌ای ایده‌آل و پیشرفته و احترام به ارزش انسان است. آموزش و پرورش را می‌توان مهمترین اندام و قلب یک جامعه دانست که هرگونه آسیبی به آن، سایر بخش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محمدزاده، ۱۳۹۳). امروزه اینکه آموزش و پرورش با دیگر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی و... در ارتباط تنگاتنگی است، یک واقعیت غیرقابل انکار است. آیا مسئولیت‌پذیری، وجدان کاری، قانون‌مداری، و... با وضعیت تربیتی فرد در گذشته و حال در ارتباط نیست؟ (شیرکرمی و خدادادی، ۱۳۹۷). آموزش و پرورش (رسمی و غیررسمی) نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی انسان، طرز فکر، گفتار و رفتار و حتی تخصص و عملکرد او دارد. اما مطالعه وضعیت موجود تربیت انسانی آیا نشان‌دهنده یک کارنامه موفق است؟

آموزش و پرورش (آن طور که شاید و باید) انسان ساز نیست. وقتی ما به عنوان پدر، مادر یا معلم تعلیم کافی ندیده باشیم نمی‌توانیم تعلیم دهندگان خوبی هم باشیم. تعلیم و تربیت و مهارت باید در اولویت کار قرار گیرد و آموزش باید به صورت همگانی و ارزشمند درآید. اصولاً ما آموزش را به عنوان یک هدف می‌بینیم در حالی که آموزش هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است. وقتی گفته می‌شود آموزش و پرورش باید انسان ساز باشد، این انسان سازی باید برای محصلان تعریف شود (حاتمیان، ۱۳۹۶). اگر نظام‌های آموزشی دچار سستی شوند و عاملان آن از نقش تأثیرگذار خود غفلت کنند، آن‌گاه بایستی انتظار جامعه‌ای را داشت که در لابه لای حجم زیادی از معضلات گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی، و ... در حال رکود است (شعبانی، ۱۳۹۳). با این تفاسیر، آموزش و پرورش در سایر ابعاد و حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و در کل پیشرفت و فرایند تحقق توسعه در یک جامعه، نقش بسیار مؤثری را بر عهده دارد.

امروزه مفهوم شهروندی، شامل مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف است که زندگی اجتماعی بدون توجه به آن ممکن نیست. آموزش شهروندی را می‌توان انتقال دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌هایی دانست که به واسطه آن، اعضا خود را عضو مفیدی از حیات عمومی جامعه تشخیص دهند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین لازم است که آموزش و پرورش امروزی مؤلفه‌های توسعه و رشد اجتماعی، فعالیت اقتصادی، انصاف و قانون‌مداری، خلاقیت و نوآوری، نقادی و بیان‌گفتاری و نوشتاری را در محتوا، اهداف، روش‌ها، برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها دنبال کند و تلفیق محتوای رسمی و غیررسمی و آموزش جامع و عمومی را در دستور کار قرار دهد.

۸. نتیجه‌گیری

فرهنگ به مجموعه باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها، تفکرات، تمایلات و روش‌های مشترک در یک جامعه مربوط می‌شود که سبک زندگی، اقدامات، تلاش‌ها، تعاملات، انتخاب‌ها، هنجارمندی و حتی گفتار افراد آن جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حکایت و ضرب‌المثل‌ها، آداب و رسوم و شیوه‌های تربیتی، احوالپرسی‌ها و رفتار در یک جامعه همگی ریشه در فرهنگ آن جامعه دارد. می‌توان گفت که اگر ویژگی‌های منفی فرهنگی اصلاح و ترمیم نشود، این ویژگی‌ها تمام جوانب و امور یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

چرا بعضی جوامع از نظر روند توسعه، رفاه، امنیت و آرامش، عدالت و برابری و رضایت در جایگاه برتری قرار دارند و رعایت اصول شهروندی امری عادی، نهادینه و همه‌گیر است اما در برخی دیگر با وجود اعمال انواع کنترل بیرونی و صرف هزینه‌های بسیار در این مورد، اعضای جامعه همچنان با آسیب‌های متعدد و متنوع در ابعاد مختلف رو به رو هستند؟ پاسخ را باید در عرصه فرهنگ جستجو کرد.

جامعه‌ای که از تعالی فرهنگی برخوردار باشد به طور خودکار و با کمترین هزینه در مسیر تکامل و پیشرفت قرار می‌گیرد و بخش‌های مختلف آن وظایف و تکالیف خود را بدون نیاز به صرف وقت و هزینه بالایی کنترل، به نحو احسن انجام می‌دهند. اما اگر ظواهر مبنای قضاوت قرار گیرد، ارزش‌های واقعی مورد غفلت قرار می‌گیرد و کنترل بیرونی بر کنترل درونی ارجحیت می‌یابد. در چنین بستری اگر بر منبعی تسلط یابیم مستعد تاخت و تاز خواهیم بود، اگر به مقامی دست یابیم برای انحصار و بازتولید برنامه‌ریزی می‌کنیم و حتی اگر بر شرایط و قواعد یک عرصه تسلط نداشته باشیم سعی می‌کنیم توپ و میدان را در اختیار داشته باشیم.

فرهنگ علاوه بر تأثیر بر کارآمدی و رشد و توسعه داخلی از مشخصه‌های تعیین‌کننده و تضمین‌کننده برای حفظ و ارتقای جایگاه علمی، سیاسی و اقتصادی جوامع در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود. بنابراین باید به تقویت و گسترش نقاط و ویژگی‌های مثبت فرهنگی بپردازیم و دانش و تجارب تاریخی، فردی و جمعی خود را در راستای اعتلای فرهنگ به کار گیریم.

۱. منافی شرف‌آباد، کاظم؛ زمانی، الهام، نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی جامعه، مجله مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۴ و ۷۳، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱-۱۳۴.

۲. ضمیری، محمد رضا؛ تربیت و جامعه، مجله معرفت، شماره ۴۵، ۱۳۸۰.

3. Adebayo, S.O. Ilori, O.S. Influence of Paranormal beliefs on Psychopathology in a Cross-Society. Journal of Humanities and Social Science. No 2, 2013, pp 63-70.

۴. بهشتی، سید محمد، بیماری‌های فرهنگی جامعه را نباید ویژگی‌های خودمان معرفی کنیم، چهارمین همایش روانپزشکی فرهنگی و اجتماعی، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۴.

۵. ---، رویکردهای روانشناسی، دانشنامه حوزوی ویکی‌فقه، سایت: <http://wikifeqh.ir>

۶. اتکینسون، ریتال و همکاران، زمینه روان‌شناسی، ترجمه براهنی و دیگران، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۸، ص ۴۲.

۷. نجاتی، وحید، بررسی شاخص‌های عصب‌شناختی فرهنگ مردم ایران و تدوین کاربست‌های آن در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، گزارش طرح پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۱.

8. Markis, H.R. Culture and personality Brief for an arranged marriage, Journal of Research in Personality, No 38, 2004, pp 75-83.

۹. رحمت‌آبادی، اعظم، مطهری و آسیب‌شناسی فرهنگی، ۱۳۹۳، بر گرفته از سایت www.bashgah.net

۱۰. شاهی صدرآبادی، فاطمه؛ رحمتی نژاد، پروین؛ خسروی، زهره؛ حسینی شریف، سیده زهرا، فرهنگ و آسیب‌شناسی روانی: متغیرهای بین فرهنگی و پدیدارشناسی اسکیزوفرنیا، ۱۳۹۵، سایت: www.SID.ir

۱۱. لطیفی، حسین؛ مصادیق فرهنگ: تاجر چیست؟، ۱۳۹۵، <http://porsemankalami.blogfa.com/post-۳۵.aspx>

۱۲. شعاری نژاد، علی‌اکبر، روان‌شناسی فرهنگ و تربیت (واقعیت‌های روان‌شناختی تربیت و فرهنگ)، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.

۱۳. محمدزاده، شاپور، نقش آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه، ۱۳۹۳، سایت: <https://social.parsiblog.com>

۱۴. شیرکرمی، جواد؛ خدادادی، قاسم، آموزش و پرورش، انسان‌سازی و اصلاح اجتماعی، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۷، ص ۹-۱.

۱۵. حاتمیان، عبدالله، (عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی)، ۱۳۹۶، خبرگزاری علم و فناوری: <http://www.stnews.ir/content/news/38743>

۱۶. شعبانی، محمد؛ عاملیت معلم: ضرورتی برای تحقق اصلاحات اجتماعی، ۱۳۹۳، پایگاه خبری تحلیلی صدای معلم: <http://sedayemoallem.ir>

۱۷. نیازی، محسن؛ قباپی آرانی، محدثه؛ عسکری کویری، اسماء، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت زندگی با تأکید بر سبک زندگی و فرهنگ شهروندی (مطالعه موردی: شهروندان شهرهای آران و بیدگل و کاشان)، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۹۵، ص ۲۰۱-۲۳۲.

۱۸. امین‌زاده، الهام، آموزش حقوق برای عموم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴، کد خبر ۸۱۷۴۴۹۸۱.

۱۹. شیرکرمی، جواد، تحلیل رابطه دو سویه تربیت و اجتماع، مجله ترویج علم، سال هشتم، شماره ۱۳، ۱۳۹۶، ص ۲۳-۴۰.

۲۰. گراوند، مجتبی؛ پروانه، فرهاد، توسعه فرهنگی و بررسی ویژگی‌ها، ابعاد و اهداف آن از دیدگاه امام خمینی، مجله پژوهشنامه متین، سال بیستم، شماره هفتادوهشت، ۱۳۹۷، ص ۱۴۵-۱۲۷.

Society injuries in the light of culture with a psychological look

Javad Shirkarami ¹

¹PhD. Student in Philosophy of Education, Islamic Azad University, Arak Branch

Abstract: Culture is one of the most important parts of human life throughout history, so that Without culture, life and identity of a society does not mean anything. We attention that the way of life, progress, laws and norms, behavior, thoughts and habits All have roots in the culture of every society. in fact all aspects of life of a society, including political, economic, social-communication, security, education and services are influenced by the culture of that society. But each culture has a lot of positive or negative qualities. Undoubtedly, in a society whose members perceive the welfare, well being and progress of society, they are not indifferent to their species and are always seeking to promote themselves and their community The material and spiritual progress of that community can be hoped. But inattention to cultural damage inflicting heavy blows on the progress, welfare, integrity and quality of citizens' lives. the lack of an effort to know for these damages will lead to the continuation of the undesirable situation and the spread of disorder and backwardness of a society.

keywords : culture, society, education, personality, Cultural psychology.